

ادامه هیات کوهنوردی انزلی به کجا می رود ؟

البته شاید هم ما ساده اندیش هستیم و آنان زرنگ تر از این حرف ها هستند و نقشه اصلی آنان نیز همین است که ابتدا زیر پرچم و تابلوی هیات دور و بر گروهها را خالی کرده و پس از اینکه به کمیت پرشماری رسیدند، آنگاه اعلام گروه نمایند. در آن صورت هم اگر برنامه ای نداشته باشند و به آموزش و تربیت کادر فنی کوهنوردی اقدام نکنند و نگاهشان در حد طبیعت گردی و گردشگری باشد، روز به روز از اهداف ورزش کوهنوردی دور شده و خود و ورزش کوهنوردی را به کزراهه خواهند کشانید.

*** **

در باب آداب

کوه نوردی

ناصر اسعدی *



کوه مظهر زندگی است، از چشمه های زلالش گرفته تا عطر علفهای کوهی و هوای پاکش همه نشانه های زیستن است، مگر نه اینکه کوهستان محل معراج است. مگر نه اینکه با گیاهان کوهستان هزاران درد را دوا می کنند. مگر نه اینکه کوهستان محرم عشاق است، پس بیهوده نیست اگر به کوهستان عشق بورزیم. کوه به انسان زندگی می دهد، وسعت نظر می دهد و سلامت جسم و جان می دهد. ولی همان گونه که ادب، آداب دارد، عشق آداب دارد، خوردن ویتامین اندازه و مقدار دارد، کوهستان هم آداب دارد، حساب و کتاب دارد. برایش بسیار یاران قلم زده اند. از جمله شیفتگان به آموزش کوهنوردی (Alen Blacksho) آلن بلاکشاو است که جزو اولین کسانی است که دست به تدریس کتاب راهنمای کوه نوردی زده است. این کتاب امروز به انجیل کوه نوردان شهرت دارد. و به فارسی نیز ترجمه شده است (تابستان ۱۳۶۰) جهت آگاهی بیشتر قسمتی از مقدمه ی مترجمین را در اینجا می آورم «کوه نوردی به عنوان یک فن و تکنیک و به صورت اصولی در یکی دو دهه ی اخیر در ایران متداول و مرسوم گشته و در چند سال گذشته مورد استقبال مردم قرار گرفته است» به همین دلیل در کشور ما ورزش جوانی است لیکن دانش کوهنوردی در رابطه با کمیت علاقه مندان در سطح بسیار نازلی قرار دارد. البته این فقر تئوریک، خود در رابطه با وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه معنی پیدا میکند و در گرو حل بسیاری از مسایل حاد جامعه ی ماست.

ولی اگر نخواهیم کلی گویی کنیم و علت های ثانوی برای آن قائل شویم باید به گرانی و انحصاری بودن وسایل و تجهیزات کوهنوردی اشاره کنیم و اگر بپذیریم که تکنیک بدون ابزار مفهومی ندارد.

طبعاً وقتی که هزاران هزار کوهنورد علاقه مند این سرزمین به دلیل نایاب یا گران بودن وسایل کوهنوردی از دسترسی به آنها محروم هستند.

دانش کوهنوردی نیز باید در سطح نازلی قرار داشته باشد تا از این رو از هر صد نفری که روزهای تعطیل به کوه پیمایی و کوهنوردی می روند، نود درصد آنها آموزش کوهنوردی ندیده اند و یا به فنون و تکنیک های کوهنوردی در شرایط مختلف آشنا نیستند. این نسبت حتی برای گروههای کوهنوردی بخصوص گروه های دانشجویی نیز بالاست. و طبیعی است که هر سال ما شاهد اتفاقات ناگواری در کوهستان های کشور هستیم. سوانح و اتفاق هایی که با رعایت اصول اولیه ی کوهنوردی قابل اجتناب و پیشگیری است. رعایت این اصول در کوهنوردی مستلزم گسترش ادبیات کوهنوردی و آموزش علاقه مندان این ورزش دلیزیر است.

بلی کوه هم جزیی از طبیعت است و مانند همه جا برای خودش مشخصات فیزیکی دارد که باید با آن سازگار شد. فراموش نکرده ام که در کاتماندو به یک گروه کوهنوردی ژاپنی برخورد کردم که یک ماه بود در شهر کاتماندو اطراق کرده بودند. وقتی از آنها پرسیدم این همه وقت برای چه معطل صعود شده اید. پاسخ دادند داریم خود را با محیط هم ساز می کنیم. با توجه به اینکه امروز در کمال تأسف بسیاری از مسیرهای قله ها ماشین رو شده اند «البته جاده را نه برای کوهنوردان بلکه به بهانه های دیگر کشیده اند» لازم است کوهنوردان به خطری که در کمین آنهاست توجه بیشتری مبذول دارند. مثلاً برای صعود به قله ی علم کوه تا ۱۰ الی ۱۵ سال پیش باید از رودبارک پیاده راه می افتادی و بعد از یک روز راه رفتن سنگین به پناهگاه سرچال می رسیدی و پس از آن روز بعد عزم علم چال می کردی و در روز سوم سر از قله در می آوردی ولی حال به برکت «سنگ گرانی» تا نزدیکیهای قله را جاده کشیده اند به گونه ای که اگر صبح از رودبارک سوار ماشین بشوید به فاصله ی یکی دو ساعت در تنگ گلو که از آنجا تا قله ۴، ۵ ساعت بیشتر راه نیست. به گونه ای که یک صبح تا غروب می شود رفت قله ی ۴۸۰۰ متری علم کوه و برگشت. لذا باید به کوهنوردان اعلان خطر کرد که این گونه کوهنوردی که متأسفانه این روزها هم خیلی مرسوم است، بسیار خطرناک می باشد و ممکن است باعث ضایعات مغزی و قلبی، عروقی بشود. لازم است مسئولین کوهنوردی و کوهنوردان آزاد نسبت به ترویج دانش کوهنوردی همت بیشتری مصروف دارند و اصول ایمنی و بهداشت در کوهستان را بیش از پیش فراگیر و آموزش دهند.